



بررسی و نقد محتوایی کتاب بحر الفراسه^۱

نیر وفایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

سید علی محمد سجادی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

جلیل تجلیل

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اسمعیل حاکمی والا

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

چکیده

کتاب «بحر الفراسه» یکی از آثار ناشناخته و ارزنده‌ی عییدالله خویشکی^۲ چشتی^۳ از نویسندگان و عارفان فارسی زبان شبه قاره هند در قرن یازدهم هجری است. این کتاب یکی از آثار منثور اوست که در شرح و تفسیر اشعار خواجه‌ی شیراز به نگارش در آمده است. نسخه‌ی خطی این اثر توسط نویسنده‌ی اول این

مقاله تصحیح شده؛ لذا با مطالعات انجام شده در این نسخه خطی، سعی گردیده تا برخی از محاسن و معایب موجود در آن بررسی شود، بنابراین این پژوهش بر آن است تا کتاب بحرالفراسه را با رویکرد «نقد محتوایی» مورد بررسی قرار دهد؛ بدین منظور ابتدا امتیازات و محاسن آن همراه با ارائه شواهدی از متن کتاب، ذکر شد و سپس به معایب و نقص های آن پرداخته شد و در تمام موارد هر کجا که لازم بود توضیحاتی از دیگر شروح موجود دیوان حافظ آورده شد.

کلید واژه ها: بحرالفراسه، نثر، نقد محتوایی، محاسن، معایب.

مقدمه

نقد ادبی که از آن می توان به سخن سنجی و سخن شناسی نیز تعبیر کرد، عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن، به نحوی که معلوم شود نیک و بد آن آثار چیست و منشا آنها کدام است. (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۱).

یکی از انواع نقد ادبی، نقد بر اساس محتوای اثر می باشد. «در این روش، نقد در آثار ادبی مستلزم تحقیق در اوصاف و نعوت آن آثار و نیز بحث در باب عیوب و نقائص آن آثار می باشد.» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

در این پژوهش، کتاب بحرالفراسه با رویکرد «نقد محتوایی» مورد بررسی قرار می گیرد و با ذکر شواهدی از متن کتاب به برخی از محاسن و معایب این اثر اشاره می شود.

نویسندهی این کتاب، عبیدالله خویشکی قصوری چشتی، از علمای مسلمان و از نویسندگان فارسی زبان قرن یازدهم شبه قاره هند است. او اصالتاً از مردم قصبه قصور (نزدیک لاهور) بود که در روزگار جوانی به شهرهای مهم هند سفر کرد. او همچنین در سرودن شعر فارسی مهارت خاصی داشت و در شعر «عبدی» تخلص می کرد. در کتاب «آثار و احوال خویشکی^۴» به پنجاه و یک اثر^۵ او اشاره شده است.

لازم به ذکر است که کتاب «بحر الفراسه» در شرح و تفسیر ۴۸۷ غزل حافظ به نگارش در آمده است. «عبیدالله در نوشتن این کتاب از شروح دیگری که در اختیار داشته بهره جسته است.» (رشیده، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

همانگونه که می دانیم در دوران اخیر، تصحیح نسخ خطی یکی از رایج ترین پژوهش های ادبی به حساب آمده و همواره ادب دوستان بسیاری به این کار اهتمام ورزیده

اند؛ لذا کتاب بحر الفراسه نیز از این امر مستثنی نبوده و پیش از این توسط دو تن از ادب پژوهان، با نامهای «ایوب مرادی» و «فرزاد ضیایی» مورد تصحیح قرار گرفته است و این بار نیز توسط نویسنده‌ی اول مقاله تصحیح شده است، امید است مورد توجه ادب پژوهان قرار گیرد.

لازم به ذکر است مثالها بر اساس نسخه خطی شماره ۱۲۱۵ کتابخانه مجلس که برای تصحیح، نسخه اساس قرار گرفته و نشانه (الف) برای آن در نظر گرفته شده، تنظیم گردیده است. شماره درج شده در برابر آن، شماره برگه در نسخه خطی است.

محاسن کتاب بحر الفراسه

محاسن کتاب را بدین شرح می توان بر شمرد:

- ۱- بیان معانی رمزی و نمادین ابیات
- ۲- استفاده از نسخه های گوناگون
- ۳- نقد و تحلیل آراء دیگر شارحان
- ۴- بسامد بالای شواهد شعری
- ۵- استناد به سخنان و آثار پیشینیان

در اینجا به شرح هر یک از محاسن، با ارائه شواهدی از متن کتاب می پردازیم:

بیان معانی رمزی و نمادین ابیات

یکی از امتیازات برجسته‌ی این کتاب آن است که عبیدالله در برخی ابیات به نماد و رمز روی می آورد و بیت را با توجه به معانی رمزی آن شرح می کند. از نگاه او، قهرمان برخی از غزلهای حافظ هم معبود است و هم معشوق و هم ممدوح. به عبارت دیگر بعضی ابیات حافظ از نگاه عبیدالله آمیزه‌ای از دو شیوه غزل عاشقانه و عارفانه است و از طرف دیگر وظیفه اصلی قصیده را که مدح باشد نیز بر عهده گرفته.

چنانکه در شرح بیت:

خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد ساحت کون و مکان عرصه‌ی میدان تو باد

اینگونه آمده: «متبادر آن است که این غزل در مدح ممدوح وارد شده و دور نیست که

خسرو مراد از معشوق مجازی یا مرشد باشد» (الف: ۱۷۵)

و یا در شرح بیت:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمید «ده ما را انیس و مونس شد

اینگونه آمده: «اظهر آنست که این غزل در نعت حضرت رسالت باشد..... و دور نیست که در مدح مرشد گفته باشد و ممکن است که در مدح ممدوح یا معشوق مجازی به ورود آمده باشد.» (الف: ۲۰۳).

استفاده از نسخه های گوناگون

از دیگر امتیازات این کتاب آن است که نویسنده هنگام شرح غزلها، نسخه های مختلف دیوان حافظ را در اختیار داشته و در بسیاری از غزلها، هنگام شرح، به نسخه بدلها نیز اشاره کرده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می نمایم:

در شرح بیت:

جان عشاق سپند رخ خود می دانست و آتش چهره بدین کار بر افروخته بود

اینگونه آمده: "در بعضی نسخ «از آن روی بر افروخته بود» واقع است ... و در بعضی نسخ این مصراع به وجه دیگر آمده و این هر دو نسخه صحیح اند". (الف: ۱۹۱)

و یا در شرح بیت:

صفیر مرغ بر آمد بط شراب کجاست فغان فتاد به بلبل که گل نقاب کشید

اینگونه آمده: "و در بعضی نسخ «نقاب گل که کشید» آمده و در بعضی «نقاب گل که درید» وارد شده." (الف: ۱۹۶)

و یا در شرح بیت:

گنج قارون که فرو می شود از قهر هنوز خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است

چنین آمده: «و در بعضی نسخ مصراع ثانی بدین وجه است: «شمه ای از اثر غیرت درویشان است». (الف: ۱۰۱)

و یا در شرح بیت:

چه مستی است ندانم که رو به ما آورد که بود ساقی و این باده از کجا آورد

چنین آمده: «وقوع این غزل در بعضی نسخ است» (الف: ۱۷۴)

نقد و تحلیل آراء دیگر شارحان

نویسنده کتاب، هر چند که در شرح ابیات، تحت تأثیر آراء و نظریات نویسندگان و عارفان صاحب نام ایرانی و عربی است اما در برخی موارد، به نقد و تحلیل دیگر شارحان پرداخته و به دیدگاه‌ها و نکته‌های تازه و قابل تأملی اشاره کرده است. در اینجا به دو نمونه از نقد و تحلیل‌های او اشاره می‌کنیم:

در شرح بیت:

بدم گفتی و خرسندم عفاک الله نکو گفتی جواب تلخ می‌زیید لب لعل شکرخا را

اینگونه آمده: «بعضی از فضلا گفته که لفظ زیید احتمال دارد هم به واسطه استفهام انکار بود؛ ای نمی‌زیید. اقول فیه نظر چه برین تقدیر، در هر دو مصراع تناقض پدید آید مگر آن که تقریر معنی چنین کرده آید که جواب تلخ نمی‌زیید لب لعل شکر خارا پس آنچه گفتم نیک بود نه بد. اگر چه در بادی الرای بد می‌نمود.» (الف: ۲۰)

و یا در شرح بیت:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها

اینگونه آمده: «قال بعض الناظرین که پیر مغان کنایه از حضرت رسالت است... تقریر معنی آن که دل خود را به شراب محبت رنگین کن اگر آن سرور تو را تلقین کند... و لا یخفی که این معنی از مفاد بیت بعید است چه سیاق کلام در مرشدی است که ما عداى از حضرت رسالت است.» (الف: ۱۶)

بسامد بالای شواهد شعری

امتیاز دیگر این کتاب، تعدد شواهد شعری و امثله فارسی و عربی است. چنین کاربردی برای کسی که در سرزمین هندوستان می‌زیسته و زبان مادریش فارسی نبوده، کاری بس شگرف است. زیرا تا زمانی که کسی بر شعر شاعران مختلف تسلط نداشته باشد و دیوانهای مختلف را مطالعه نکرده باشد، نمی‌تواند به طور دقیق این اشعار را با متن کتاب منطبق کند. البته نویسنده در شعر و شاعری نیز یکی از شاعران فارسی زبان زمان خود بوده است. به همین علت در انتخاب اشعار و امثله به خوبی از عهده بر آمده. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌نماییم:

چنانکه در بیت:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا ر

شارح پس از شرح واژه های نمادین، بیت را اینگونه تفسیر نموده: «تقریر معنی آنکه اگر آن محبوب حقیقی مرا به سوی خویش راه دهد همگی همت و تمامی نهمت خود را به سوی او مصروف گردانم و توجه خویش به دنیا و عقبی نرانم.» و در ادامه، برای تأکید مطلب اینگونه آورده است: «و شیخ سعدی گوید:

می صرف وحدت کسی نوش کرد که دنیا و عقبی فراموش کرد»

(الف: ۱۹)

و یا در بیت:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها

شارح پس از شرح این بیت، به بیتهای از شیخ محمود شبستری اشاره می کند؛ بدین گونه: «بباید دانست که چون بعضی از الفاظ؛ چنانکه ساقی و ناهه و طره و جعد و نحو آن که در کلام صوفیه آید به مطابق حال و مقام او را تعبیر باید کرد و انحصار بر معنی واحد نتوان ساخت چنانکه مولانا محمود شبستری در گلشن راز گوید:

ندارد عالم معنی نهایت کجا بیند مرو را لفظ غایت

(الف: ۱۰)

و یا در بیت:

قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست قرار چیست صبوری کدام و خواب کجا

شارح در شرح این بیت اینگونه آورده: «یعنی حافظ صبر و قرار ندارد زیرا که عاشق است و هر شخصی که عاشق باشد صبر و قرار ندارد چنانکه خواجه نظامی گوید:

صبوری از طریق عشق دور است نباشد عاشق آن کس کو صبور است

(الف: ۵۷)

ویژگی دیگر در مورد شواهد این اثر، آن است که در بعضی موارد نویسنده به شرح و توضیح و تحلیل و تفسیر آنها می پردازد. بدین صورت که اگر نکته بلاغی - بدیعی، رمز و یا معمایی در بیت باشد آن را تفسیر می نماید و کار خواننده را در فهم مطلب آسان می کند: چنانکه در شرح بیت:

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آب روی خوبی از چاه زرخدان شما

اینگونه آمده: «بباید دانست که «ای» حرف نداست و آفتاب که مراد از معشوق بود منادای محذوف است به قرینه ماه؛ «لَانَ نَوْرَ الْقَمَرِ مُسْتَفَادٍ مِّنْ نُّوْرِ الشَّمْسِ» و آفتاب کنایه از معشوق حقیقی است و اختیار حرف ندا قریب به واسطه غایت قرب اوست" (الف: ۲۳) و یا در شرح بیت:

بدم گفتی و خرسندم عفاک الله نکو گفتی جواب تلخ می‌زیید لب لعل شکرخا را

اینگونه آمده: "قاعده: چنانکه میم برای فاعلیت باشد برای مفعولیت نیز آمده. چنانکه نظام گوید: /چو دادیم ناموس نام آوران/ پس بدم به معنی «بد مرا» باشد و چون بر امر مفعول مقدم آید مفید معنی فاعلیت باشد" (الف: ۲۰) یا در شرح بیت:

بخت خواب آلود ما بیدار خواهد شد مگر زانکه زد بر دیده آب از روی رخشان شما

اینگونه آمده: «و بباید دانست که درینجا رمز است به آنکه روی معشوق را به آفتاب تشبیه داده زیرا که شخصی که ناظر به سوی آفتاب گردد لاجرم آب در چشم او پدید آید» (الف: ۳۰).

و یا در شرح بیت:

دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟

اینگونه آمده: «و تو را رسد که "دل سوختن" را، حمل بر حقیقت کنی و درین کلام قایل [به] تعمیمه شوی. یعنی چون دل عالم سوخته شود، "عام" می‌ماند، ای، عام مخلوقات را می‌سوزی، وقتی که عذار برفروزی.» (الف: ۳۴).

علاوه بر این، نویسنده در سراسر کتاب بحر الفراسه، گاه در کنار شواهدی که از شاعران برجسته می‌آورد، از سروده‌های خویش نیز به عنوان شاهد استفاده می‌کند. او در اشعارش تخلص «عبدی» را به کار می‌برد. مانند:

نتوانم که گویم او صافش ای عبدی خموش شو تو از آن

استناد به سخنان و آثار پیشینیان

از آنجا که نویسنده کتاب بحر الفراسه، با بهره‌گیری از شروح دیگران، این شرح را تألیف کرده و علاوه بر این، آن گونه که از متن کتاب بر می‌آید، او با کتب مهم ادبی قبل خود نیز

آشنایی کامل داشته، بنابراین می‌توان در بخشهای مختلف این کتاب، استناد او را به سخنان و آثار پیشینیان مشاهده کرد. او به تناسب موضوع، به اقوال بزرگانی چون: شیخ فخرالدین عراقی، امام یافعی، خواجه عبدالله انصاری، شیخ جنید، امام قشیری، قاسم انوار، بایزید بسطامی، منصور حلاج، ابن عربی، واعظ کاشفی، رابعه عدویه و دهها تن دیگر اشاره کرده است. برای نمونه به اقوال چند تن اشاره می‌کنیم:

در بیت:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

شارح در بخشی از شرح این بیت می‌گوید: «فاما بعضی از فضلا گفته که خال کنایت از طلبه دنیا و عقبی است چه طالب دنیا در مرض است و طالب عقبی آغشته غرض؛ چنانکه خواجه نقشبند فرموده چون سالک را نعمت دنیا دهند باید که وی آن را به کافران دهد و چون نعمت عقبی دهند به مومنان دهد و خود بلا و عنا اختیار نماید تا مقبول حضرت دوست گردد و چنانکه رابعه در مناجات گفتی الهی دنیا را به دشمنان خود ده و عقبی را به دوستانش، نه مرا.» (الف: ۱۸)

چنانکه دیده شد، شارح در تفسیر خود به سخن رابعه و خواجه نقشبند استناد نموده است.

و یا در بیت:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

شارح در شرح و تفسیر واژه ی «عشق» به سخنی از فخرالدین عراقی استناد نموده است؛ بدینگونه: «عشق عبارت از کثرت محبت است و در اصطلاح صوفیه جمعیت کمالات را گویند که در یک ذات باشند و این کمال، جز حق را نبود و شیخ فخر الدین عراقی، عشق را ذات احدیت مطلق دانسته.» (الف: ۱۲)

و سپس در ادامه ی همین بیت در شرح واژه ی «اول» می‌گوید: «بباید دانست که لفظ «اول» احتمال دارد که عبارت از حالت عدم قبول بنی آدم، امانت را در روز میثاق باشد و علیه قوله تعالی: اَنَا عَرْضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.» (الف: ۱۱).

و در ادامه ی تفسیر، شارح برای تأیید مطلب خود به سخنان بزرگانی چون: قشیری، جنید و قاسم انوار استناد نموده است چنانکه می‌گوید:

«امام قشیری فرمود که امانت را بر آنها عرض نمود و بر انسان فرض فرمود ... (الف: ۱۲)
 شیخ جنید قدس سره فرمود که نظر آدم بر عرض بود نه بر امانت ... (الف: ۱۲)
 قاسم انوار در بعضی از رسایل خود، امانت بر خلافت ربّانی فرود آورده و گفته که ظلم و
 جهل، ضد عدل و علم است» (الف: ۱۲)

معایب کتاب بحر الفراسه

- معایب کتاب را بدین شرح می‌توان بر شمرد:
- ۱- نگاه بیش از حد عارفانه نویسنده به غزلها
 - ۲- کوتاهی و سهل انگاری در نحوه گزینش غزلها و ابیات
 - ۳- تفسیرها و دیدگاه‌های نابجا
 - ۴- اشارات غیر مستند به زندگی حافظ
 - ۵- معانی متعدّد برای یک واژه
- در اینجا به شرح هر یک از معایب، با ارائه‌ی شواهدی از متن کتاب پرداخته می‌شود:

نگاه بیش از حد عارفانه نویسنده به غزلها

یکی از معایب کتاب بحر الفراسه نگاه بیش از حد عارفانه نویسنده به ابیات است. از آنجا که نویسنده کتاب از عارفان مشهور روزگار خود بوده و در طی سفرهای خود به شهرهای مختلف هند، با مشایخ عصر ملاقات‌های بسیار داشته، لذا گرایش به عرفان و تصوف در او افزایش یافته، همین امر سبب شده او نسبت به تمام ابیات حافظ دیدگاهی عارفانه داشته باشد. به همین جهت او گاهی در ارائه معنی ابیات، دچار خطا و اشتباه می‌شود. البته همانطور که قبلاً در ذیل امتیازات کتاب گفته شده در بعضی ابیات، نویسنده بیت را از دیدگاه‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار داده است.

چنانکه در شرح بیت:

زبان مور بر آصف دراز گشت از آن^۷ که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست

اینگونه آمده است: «تحریر معنی حقیقی آن است که مورچه کنایت از نفس لوّامه و آصف مراد از روح که مخلوق از امر سبحانی است... و خواجه نیز کنایت از روح و جم کنایت از ذات حضرت صمدیت و خاتم جم کنایت از معرفت حق تعالی. زبان ملامت نفس

لوامه بر روح از آن دراز گشت که روح در قالب از کمال غفلت، معرفت حق را که سرمایه او بود گم کرد و از سر او بازگشت و با وجود قدرت از جستجوی او آواره شده مطیع نفس آواره گشت. « (الف: ۹۹)

اما در تفاسیر موجود، در شرح این بیت چنین آمده:

زریاب خوبی می‌گوید: « در دیوان حافظ مراد از آصف و آصف ثانی جلال الدین تورانشاه وزیر شاه شجاع بوده است و نیز از او به خواجه و خواجه جهان یاد کرده است. این غزل حافظ نیز مستثنی نیست و باید درباره او باشد. « (زریاب خوبی، ۱۳۷۸: ۲۱۳).

شمیسا در شرح این بیت می‌گوید: «در سمبولیسم حافظ، مور خود شاعر است. حافظ، اسطوره‌ی سلیمان را کلاً از نظام اولیه‌ی تفسیری به نظام ثانویه‌ی مدحی برده است. سلیمان شاه، آصف وزیر، تخت جم دربار و مور حافظ است که با همه حقارت، برهان قوی دارد و باید به حکمت او تسلیم شد. « (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۹۴).

و یا در شرح بیت:

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند پنهان خورید باده که تکفیر^۸ می‌کنند

شرح بیت در بحر الفراسه اینگونه آمده: «توجیه معنی آن است که چنگ و عود به لسان حال چنین تقریر می‌کنند که باده محبت حق را پنهان خورید و به نزد اهل ظاهر، ظاهر مکنید که چون بعضی از الفاظ در حالت سکر مخالف قوانین شرع واقع می‌شود نسبت کفر می‌دهند. « (الف: ۱۸۱)

در حافظ نامه در شرح این بیت آمده: «این غزل نظر به سختگیری‌های ایام امیر مبارز الدین حاکم یزد و کرمان و فارس در عهد جوانی حافظ دارد. « (خرمشاهی، ۱۳۷۸: ۷۲۷).

شمیسا در شرح این بیت می‌گوید: «امیر مبارزالدین در زمان شاهی مردی متعصب و ستمگر بود. شاه شجاع و رندان شیراز او را به طنز محتسب می‌خواندند. به نظر می‌رسد حافظ در بعضی از غزلیات خود، او را به اشاره هجو کرده باشد... حافظ هیچگاه اسم مبارزالدین را نبرده است لذا چند غزل از جمله غزل زیر با مطلع: "دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند" در ارتباط با این شاه جنبه حدس و گمان دارد. « (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۶۱).

رتال جامع علوم انسانی

تفسیرها و دیدگاه‌های نابجا

از دیگر معایب کتاب بحر الفراسه آن است که گاهی نویسنده اثر، در شرح ابیات،

دیدگاه‌ها و تفسیرهای نابجایی از خود ارائه می‌دهد که با محتوا و مضمون غزل همخوانی ندارد. چنانکه در شرح بیت:

مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محملها

اینگونه آمده: «و یمكن که فریاد را به دو جزء، تحلیل نمایم: اول «فرّ» که امرست از باب فرّ یقرّ و از «فرّ» اشاره به سوی فرّوا الی الله بود و «جرس فرّ» تواند که اضافه بیانیه بود و تواند که قول افلاطون بود که: انّ العالمَ کرّة و الارضَ مرکز و الافلاکَ قوس و الحوادثَ سهام و الانسانَ هدف و الله الرامی فاین المَقَرّ.

دوم «یاد»: تقریر معنی آن است که مرا در دنیا چه امن و عیش است که فرّوا الی الله یاد می‌دهد که بر بندید محمل خود را و مهیا شوید به سلوک طریق معرفت به جز محنت و مشقت که ضد عیش و امن است به حصول پیوند و یا آنکه مرا قول افلاطون یاد می‌دهد که دنیا منزل اقامت نیست بلکه از او سفر به دار آخرت گزیدن، لابد است.» (الف: ۱۶) و یا در شرح بیت:

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

اینگونه آمده: «تقریر معنی آن است که حافظ از دیده خود دانه اشک را افشاند است حالا چشم او خشک مانده، باشد که مرغ وصل قصد دام ما کند که خشکی چشم از لوازم فرحت و سرور است.»

اشارات غیر مستند به زندگی حافظ

از دیگر نقاط ضعف این کتاب آن است که نویسنده، به هنگام شرح برخی ابیات، به وقایعی از زندگی حافظ اشاره می‌کند، که در صحت و درستی انتساب آن به حافظ، نمی‌توان اطمینان داشت. چنانکه در شرح بیت:

بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند که به بالای چمان از بن و بیخم بر کند

اینگونه آمده است: «بعضی از فضلا گفته که از اکثر اکابر مسموع است که حضرت خواجه به حکم المجاز قنطره الحقیقه در بدایت حال به شهزاده خجد پاره‌ای محبتی داشتند چون شوق به استیلا کشید این غزل را نوشته بدو فرستاد و احوال خود را در میان نهاد. چنانکه بعضی ابیات آینده برین مدعی ناطق اند.» (الف: ۱۵۹)

و یا در شرح بیت:

دلفریبان نباتی همه زیور بستند دلبر ماست که با حسن خدا داد آمد

اینگونه آمده: «قیل که خداداد نام معشوق حضرت خواجه باشد یعنی خداداد دلبر ما است که به حسن آمد.»

و یا در شرح بیت:

همی رویم به شیراز با عنایت دوست زهی رفیق که بختم به مهرهی آورد

اینگونه آمده: «بعضی از فضلا گفته که از بسیاری اساتید مسموع است که چون خواجه از اهل شیراز دلتنگ آمده به شهر دیگر انتقال فرموده خلیفه آن شهر که منصور نام داشت منشوری به طلب ایشان فرستاد ایشان در جواب آن، این غزل را به برید نوشته، دادند و به حکم اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم اطاعت فرمان لازم دانسته، باز به شیراز توجه فرمودند چنانکه بیت مقطع نیز برین مدعی دال است.» (الف: ۱۵۹)

کوتاهی و سهل انگاری در نحوه گزینش غزل ها و ابیات

از دیگر معایب کتاب بحر الفراسه این است که نویسنده اثر از بین تمام غزلیات حافظ فقط به شرح ۴۸۷ غزل پرداخته است و آن هم به گونه ایی است که از هر غزل، فقط ابیات مهم را مورد شرح قرار داده و حتی در برخی غزلها فقط یک بیت را بررسی نموده است. ناگفته نماند که شارح در انتخاب غزلها و ابیات، سلیقه شخصی خود را نیز دخالت داده است و گاهی غزلها و ابیاتی را که در انتساب آنها به حافظ تردیدی وجود دارد مورد شرح قرار داده است. برای نمونه به چند غزل با مطلعهای زیر اشاره می کنیم که در دیوانهای معتبر یافت نشد:

- ۱- اگر خدای کسی را به هر گناه بگیرد زمین به ناله در آید زمانه آه بگیرد
- ۲- باز آن دیوانگی آغاز شد باز دل با دلبران همراز شد
- ۳- بر سر بازار جانبازان منادی بشنوید بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید

و یا از بعضی غزلهای معروف فقط یک مصراع را شرح نموده است:

سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند. (الف: ۲۰۴)

یا از بعضی غزلها فقط به شرح یک بیت اکتفا کرده است.

- ۱- جمالت آفتاب هر نظر باد ز خوبی روی خوبت خوبتر باد

۱- دیربست که دلدار پیامی نفرستاد نوشت سلامی و کلامی نفرستاد

معانی متعدّد برای یک واژه

از دیگر معایب کتاب، آن است که عبیدالله گاهی به هنگام تفسیر ابیات، برای معنی یک واژه تمام معانی را که در فرهنگها موجود بوده، آورده و به یک معنی روشن و دقیق که با شرح بیت متناسب باشد اشاره نکرده است؛ همین امر سبب شده تا خواننده در فهم معنی بیت دچار اشتباه و سردرگمی شود. چنانکه در بیت:

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

برای واژه «رنگ»، شانزده معنی آورده است بدینگونه:

«اول به معنی معروف، دوم به معنی زندگانی، سوم به معنی جانور دشتی چون آهو و بز کوهی و گوزن و نحو آن، چهارم به معنی مکر و حيله، پنجم به معنی جنایت، ششم به معنی خوشی حال، هفتم شیرین کار، هشتم شرمندگی، نهم اندک، دهم مایه، یازدهم خشم، دوازدهم حصه، سیزدهم هم دردی، چهاردهم قمار، پانزده: فایده، شانزدهم: شکل.» (الف: ۲۰)

نتیجه

کتاب بحرالفراسه اثر عبیدالله خویشکی از جمله کتاب‌هایی است که در شرح و تفسیر اشعار حافظ به نگارش در آمده است؛ با آنکه شارح، اشعار حافظ را بیشتر از دیدگاهی عارفانه مورد شرح قرار داده، اما با این حال حاوی مطالب و نکاتی ارزشمند بوده و همین امر سبب گردیده تا این کتاب در ردیف یکی از شرح‌های نسبتاً ارزنده دیوان حافظ قرار گیرد.

از جمله نکات ارزشمندی که می‌توان به آن اشاره کرد عبارت است از:

۱- استفاده از نسخه‌های گوناگون؛ به گونه‌ای که در بسیاری از غزلها به نسخه بدلها نیز اشاره شده است. ۲- بیان معانی رمزی و نمادین ابیات؛ بدین گونه که از نگاه شارح، قهرمان غزلهای حافظ هم معشوق است و هم معبود و هم ممدوح. ۳- نقد و تحلیل آراء دیگر شارحان. ۴- بسامد بالای شواهد شعری از شاعران برجسته ایران و استناد به سخنان بزرگان برای تأیید کلام خویش.

اما در کنار این ویژگی‌ها و نکات ارزشمند، گاهی نقص‌ها و نارسایی‌هایی نیز دیده می‌شود که تا حدودی از ارزش ادبی این کتاب می‌کاهد، نقص‌هایی همچون:

۱- نگاه بیش از حد عارفانه نویسنده به ابیات و غزلهای حافظ؛ به گونه‌ای که همین امیر

سبب شده که گاهی در ارائه معنی ابیات دچار خطا و اشتباه شود. ۲- تفسیرها و دیدگاه‌های نابجا تا آنجا که گاهی در پاره‌ای موارد تفسیر ارائه شده خارج از عقل سلیم است، ۳- اشارات غیر مستند به وقایع و زندگی حافظ به گونه‌ای که هیچ کدام از این وقایع ارزش تاریخی نداشته و در هیچ منبعی ذکر نگردیده است. ۴- ارائه معانی متعدّد برای یک واژه؛ به طوری که هیچ کدام از معانی ارائه شده با بیت سازگاری ندارد. ۵- سهل انگاری در گزینش غزلها و ابیات؛ به گونه‌ای که در انتساب برخی از آنها به حافظ تردید وجود دارد و گاهی از غزلی فقط به چند بیت آن و یا تنها به یک بیت اشاره شده است.

پی نوشت ها

- ۱ - مقاله بر گرفته از پایان نامه دکتری است با عنوان تصحیح کتاب بحر الفراسه.
- ۲ - نام یکی از سلسله‌های افغان که در قصبه قصور (شهری نزدیک لاهور) ساکن هستند.
- ۳ - یکی از شهرستان‌های ولایت هرات در شمال باختری افغانستان است.
- ۴ - کتابی است از محمد اقبال مجددی که به زبان اردو نوشته شده است.
- ۵ - از این پنجاه و یک اثر، چهل اثر تنها نامهایشان مانده و یازده اثر نیز باز مانده است. در اینجا برای کوتاهی کلام فقط به یازده اثر بازمانده عبدالله اشاره میکنیم: ۱- بحر الفراسه در شرح دیوان حافظ، ۲- خلاصه البحر قدیم و جدید (خلاصه بحر الفراسه)، ۳- جامع البحرین فی زوائد النهرین (شرح دیوان حافظ)، ۴- خلاصه البحر فی التقاط الدرر (شرح دیوان حافظ)، ۵- اخبار الاولیا (تذکره مشایخ افغان قصور)، ۶- معارج الولايت (تذکره مشایخ هند)، ۷- اسرار مثنوی و انوار معنوی (شرح دفتر اول مثنوی معنوی)، ۸- تحقیق المحققین فی تدقیق المدققین (در باب فقه و تصوف)، ۹- فواید العاشقین، ۱۰- بهارستان، شرح گلستان، ۱۱- تحفه دوستان، شرح بوستان.
- ۶ - احزاب: ۷۲؛ ما این امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند انسان آن امانت بر دوش گرفت که او ستمکار و نادان بود.
- ۷ - در نسخه‌ی علامه قزوینی این مصرع بدین صورت آمده است: «زبان مور بر آصف دراز گشت و رواست».
- ۸ - در نسخه‌ی علامه قزوینی به جای تکفیر، «تعزیر» آمده است.

منابع

- ۱- زریاب خوبی، عباس (۱۳۷۸)، آئینه جام، تهران: سخن.
- ۲- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۸)، حافظ نامه، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳- مصحح محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی (۱۳۱۹)، دیوان حافظ، تهران: چاپخانه مجلس.
- ۴- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، سبک شناسی نثر، تهران: نشر میترا.

- ۵- برزگر خالقی، محمد رضا (۱۳۸۷)، شرح گلشن راز، تهران: زوار.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، نقد ادبی، تهران: سخن.
- ۷- رشیده، حسن (۱۳۸۴)، «نگاهی به شارحان دیوان حافظ شیرازی در شبه قاره» (فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، شماره ۸۰، بهار ۱۳۸۴، ص: ۱۰۷-۱۲۲.
- ۸- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، یادداشتهای حافظ، تهران: نشر علم.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی